

ترجمان انقلاب

انقلاب تصورناپذیر در ایران

>

چارلز کرزن

ترجمه محمد ملاحباسی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



فهرست

- یادداشت مترجم
- ۹
- تقدیر و تشکر
- ۱۳
- پیشگفتار
- ۱۵
- [۱] مقدمه
- ۱۹
- [۲] آغاز اعتراضات: تبیین های سیاسی
- ۳۵
- [۳] بسیج شبکه مساجد: تبیین های نهادی
- ۶۷
- [۴] جاذبه های شیعه: تبیین های فرهنگی
- ۹۳
- [۵] اعتصاب عمومی: تبیین های اقتصادی
- ۱۳۵
- [۶] شکست مشت: تبیین های نظامی
- ۱۸۱
- [۷] یک جنبش ممکن: ضد تبیین
- ۲۱۳
- [۸] نتیجه گیری
- ۲۷۳
- درباره منابع
- ۲۸۹
- پی نوشت ها
- ۳۰۷
- منابع
- ۳۸۵
- نماینه
- ۴۳۹

پیشگفتار

سیری از دیگر آمریکاییان، من نیز اولین بار وقتی با ایران آشنا شدم که هیئت‌های آمریکایی در سال ۱۳۵۸ گروگان گرفته شده بودند. ربع قرن گذشت و من هنوز خشمم را به یاد می‌آورم. یاد می‌آید که، همراه با چند همکاران من در دبیرستانم، در یک راه‌پیمایی ضد ایران شرکت کردم. در آن راه‌پیمایی، بیرون یک مسجد ایستاده بودیم و پلاکاردهایی را بالای سرمان می‌دادیم که رویش نوشته بودیم: «اگر از آیت الله متنفرد بوق بزنید، منی از زندگان بوق می‌زدند. احتمالاً آن‌ها نمی‌دانستند - همان‌طور که ما هم نمی‌دانستیم - که آن مسجد وابسته به عربستان سعودی است و سعودی‌ها و سایر هم‌دوره من مدعی آن هستند (سنی و شیعه)، و دولت‌های سعودی عربستان و ایران نیز خصومتی دوطرفه با همدیگر دارند. بعدها، وقتی یکی از مقامات این نکته را برایم گوشزد کرد، پاک خجالت‌زده شدم. وقتی مقاله تاریخ ایران را شروع کردم، فهمیدم وقتی ما به «آیت الله» ارجاع می‌دادیم چقدر گمراه بودیم. چراکه آیت‌الله‌های بسیاری وجود دارند و، از قضا، سید محمد خاتمی - آماج انتقادات ما - دیگر در ایران با این نام خوانده نمی‌شود. در سال ۱۳۵۷ و در خلال انقلاب، با عنوان «امام» به او ارجاع می‌دادند،

لقبی منحصر به فرد که او را از دیگر پیشوایان مذهبی درجه اول شیعه متمایز می‌کرد. اینکه در غرب همچنان او را با تعبیر «آیت‌الله» می‌خواندند نشان‌دهنده بی‌توجهی یا خصومت بود.

از آن زمان تا به امروز، زبان فارسی را آموخته‌ام، از ایران بازدید کرده‌ام و با ایرانیان بی‌شماری کار کرده‌ام. اگرچه بر بخشی از جهل خودم چیره شده‌ام، اما هنوز انقلاب ایران را نمونه‌ای «غیرعادی» می‌دانم. این انقلاب اولین جمهوری اسلامی دوران جدید را تأسیس کرد و همچنان تنها نمونه یک انقلاب اسلامی توده‌ای است. در واقع، انقلاب ایران، از نظر تعداد مردمی که در آن شرکت کردند، یکی از عظیم‌ترین خیزش‌های تاریخ جهان است: حداقل ده درصد از جمعیت ایران در راه‌پیمایی‌های اعتراضی و اعتصاب‌های عمومی‌ای که محمدرضا شاه پهلوی را به زیر کشید شرکت کردند. در مقایسه، کمتر از دو درصد از جمعیت در انقلاب فرانسه دخیل بودند و کمتر از یک درصد از مردم در برانداختن شوروی کمونیستی شرکت داشتند.

انقلاب ایران در معنای آکادمیک آن نیز نوعی نمونه «غیرعادی» به شمار می‌رود. بنابر تبیین‌های اجتماعی-علمی از انقلاب، این انقلاب نباید در آن زمانی که رخ داد اتفاق می‌افتاد، یا اصلاً نباید اتفاق می‌افتاد. این تئوری‌ها ما را به سمتی سوق می‌دهند که منتظر سکوتی حزن‌انگیز در برابر نیروهای تادندان مسلح سلطنت باشیم، تا اعتراضاتی پراکنده را در پرتو کمبود منابع افراطیون توقع داشته باشیم، یا سناریوهای رنگارنگ دیگری را متصور شویم. هر چه بیشتر درباره جزئیات انقلاب بیاموزیم، شواهد بیشتری می‌یابیم که در برابر تبیین‌های موجود مقاومت می‌کنند.

به‌طور خاص، فضایی را کشف می‌کنیم که در آن سردرگمی بر همه چیز غالب است. آن زمان که اعتراضات علیه شاه داشت بالا می‌گرفت،

پیشنهاد جمعیتی نداشتند از اینکه چه اتفاقی دارد می‌افتد. آیا رژیم شاه سقوط می‌کند؟ آیا اعتراضات سرکوب می‌شود یا کم‌رنگ خواهد شد؟ ایرانیان بلاوقفه نیست و بیگانه نظر می‌خواستند تا جوابی برای این سؤالات پیدا کنند، اما همه‌ها حاکی از پیش‌بینی ناپذیری امور بودند. در این دوران به یادماندنی، پیش‌بینی نمی‌توانستند اقدامات خودشان را پیش‌بینی کنند، چه برسد به پیش‌بینی رفتار هم‌میهنان خود.

این کتاب این تجربه سردرگمی را، که در فرایند انقلاب ایران بسیار همه‌گیر بوده مطالعه می‌کند. این تحلیل، از نظر زمانی، تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، یعنی روزی که رژیم شاه سقوط کرد، را بررسی می‌کند. اما اشارات این مطالعه ممکن است در این دوره فراتر رود، همین‌طور که ممکن است از شرایط منحصر به فرد و غیرعادی انقلاب ایران نیز فراتر رود. اگر تحلیل من درست باشد، آنگاه باید گفت اعتراضات توده‌ای حقیقتاً پیش‌بینی ناپذیرند، نه تنها وقتی در حال پیش‌رفت هستند بلکه حتی وقتی برمی‌گردیم و آن‌ها را می‌نگریم. پیش‌پای این سؤالات از سردرگمی گسترده می‌شود که هر تلاشی برای پیش‌بینی را در حقیقت می‌برد، بدون اینکه نتیجه‌ای به بار آید.

این کتب جمهوری اسلامی ایران، بعد از گذشت بیست و پنج سال از تأسیس، قرار است با انقلابی دیگر مواجه شود؟ آیا دیگر رژیم‌های خاورمیانه، مسیر جهل قرار است با خیزش‌های توده‌ای روبه‌رو شوند؟ آیا قدرت نظامی است که حکومت ایالات متحده دارد آن را در برابر اعتراضات، چه در جاهایی که آن‌ها سعی آب‌ها اشغال کرده است و چه در سرزمین خودش، واکسینه خواهد بود؟ این سؤالات پاسخ‌ناپذیر باقی خواهند ماند، حتی اگر اطلاعاتی بی‌نقص در دسترس و نیات تک‌تک افرادی که در ماجرا دخیل‌اند داشته باشیم،